

مفهوم صبر

فاطمه امین الدوله

امتیاز اهل ایمان به حساب می آید و بندگان شایسته‌ی خدا بخش مهمی از مقامی که کسب کرده‌اند، در پرتو صبرشان بوده است.

اهمیت صبر

صبر و استقامت زیربنای کسب تمام فضایل انسانی و ملکات اخلاقی است و هیچ ثمری از اعمال خود نمی‌توانیم بچشمیم مگر در سایه‌ی صبر و استقامت. پایداری تاج آفرینش و مشعل راه ترقی و تکامل است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه نسبت به پنج چیز سفارش اکید می‌فرماید و برای تحصیل آن‌ها هر مقدار زحمت و مشقت و تلاش را شایسته می‌داند که پنجمین آن‌ها صبر است: «فإن الصبر من الإيمان كالرأس من الجسد، لا خير في جسد لارأس معه، ولا في إيمان لا صبر معه» [نهج البلاغه، حکمت ۸۲: ۶۴۱]. مثل صبر نسبت به ایمان، مثل سر نسبت به تن انسان است و همان‌گونه که تن بی سر خیر و برکتی ندارد، ایمان بدون صبر نیز خیری ندارد!

زیرا سر در بدن دارای خاصیت حیاتی قاطع است، فقدان هر یک از اعضای ظاهری بدن (دست، پا، چشم

صبر در لغت نگه‌داری نفس از بی‌تابی، زبان نگشودن به شکایت و نگهبانی اعضا و جوارح از اضطراب و نگرانی است [تاج العروس، ج ۲: ۴۴۲؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، حرف الراء: ۴۳۸؛ مفردات الفاظ القرآن، ج ۲: ۳۷۱]. ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید، به نحوی که سینه‌ی او تنگ نشود و خاطر او پریشان نگردد [معراج السعادة: ۵۹۹].

خواجه عبدالله انصاری می‌گوید: صبر برای عامه سخت‌ترین منزل، برای اهل محبت مخوف‌ترین مقام، و برای موحدین نازل‌ترین موقف است [مقام معنوی ترجمه و تفسیر منازل السائِلین: ۳۹].

صبر، شکیبایی و استقامت، از شیوه‌ی مردان بزرگ و کام‌یاب جهان است و شکیبایی و بردباری ضامن سعادت و کام‌یابی است. چه بسیارند کسانی که از هوش و استعداد متوسط برخوردارند و یا ابتکار عمل آن‌ها کاملاً متوسط است، ولی در زندگی به پیروزی‌هایی بزرگ نایل شده‌اند و پس از تحقیق و بررسی می‌بینیم که دلیلی جز ثبات و استقامت ندارند. از دیدگاه قرآن، واژه‌ی صبر حاکی از والاترین درجه‌ی دینداری است و بزرگ‌ترین

و... را می توان تحمل کرد، اما سر که مرکز فرماندهی اعصاب است، اگر نباشد و یا اگر فلج باشد، همه ی اندام های بدن فلج است. صبر نیز چنین است. اگر صبر نباشد، توحید هم نمی یابد، نبوت و بعثت پیامبران به ثمر نمی رسد، جامعه ی الهی و اسلامی تشکیل نمی شود، حقوق مستضعفان استیفا نمی شود و نماز و روزه ی عبادت و ذکر نیز برجای نمی ماند. پس صبر است که به همه ی آرمان های دین و انسانیت تحقق می بخشد [گفتاری در صبر: ۲۱].

امیرالمؤمنین (ع) درباره ی اهمیت صبر و تأثیر آن در موفقیت بر مشکلات می فرماید: «اذا فارق الصبر الأمور فسدت الأمور» [اصول کافی، ج ۳: ۲۰۴]. هر وقت استقامت از کارها گرفته شد، امور زندگی تباه می شود. هم چنین در سراسر قرآن فقط در مورد صابران، اجر بی حساب مطرح شده است: «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب» [زمر، ۱۰]. بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می نویسد: «صابران اجرشان داده نمی شود، مگر دادنی بی حساب. پس صابران برخلاف سایر مردم، حساب اعمالشان رسیدگی نمی شود و اصلاً نامه ای از اعمالشان باز نمی گردد و اجرشان هم سنگ اعمالشان نیست [المسبران، ج ۱۷: ۳۸۸]. صبر، مانع همه ی کمالات است. صبر در جنگ، مایه ی شجاعت است. صبر در برابر گناه، وسیله ی تقواست. صبر در دنیا، نشانه ی زهد است. صبر در برابر شهوات، سبب عفت است، صبر در عبادت موجب طاعت، و صبر در شبهات، مایه ی ورع است [گنجینه ی معارف: ۶۲۱].

به قول جلال الدین مولانا:

صد هزاران کیمیا حق آفرید

کیمیایی هم چو صبر آدم ندید

در کتاب چهل حدیث امام خمینی (ره) آمده است: انسانی که از ولی نعمت خود که هزاران هزار نعمت دیده و همیشه مستغرق نعمت های اوست، یک بلیه می بیند، زبان به شکایت پیش خلق می گشاید، چه ایمانی دارد و چه تسلیمی در مقام مقدس حق دارد؟ پس درست است که گفته می شود، کسی که صبر ندارد ایمان ندارد [چهل حدیث: ۲۶۳، ج ۱۶].

با بیانی دیگر، اگر کسی صبر نداشته باشد، معنایش

این است که عفت ندارد و جزوع و هلوغ (بی تاب و کم صبر و حریص) است. در مقابل شهوت و مال خود را گم می کند، در جنگ ترسوست، در وقت خشم از جا در می رود، در برابر نامالایمات بی تاب و افسرده می شود، راز دل نگه نمی دارد، فکر زر و زیور و تجملات دنیاست و چشم طمع به مال مردم دوخته است، هنگامی که این همه صفات خبیثه و رذیله در او جمع باشند، دیگر ایمان به چه درد می آید؟ آیا اصلاً ایمان می تواند باشد؟ چون این فرد هنگام برخورد به یک عمل حرام، آن را مرتکب می شود، واجبات را ترک می نماید و... مگر ایمان غیر از اتیان واجبات و اجتناب از محرمات و... چیز دیگری است؟ پس انسان بی صبر ایمان ندارد و چنین فردی معذب الهی است.

انگیزه ی صبر

قرآن صریحاً می فرماید، صبری مورد ستایش است که آن صبر و خویشن داری انگیزه اش فقط جلب رضایت و خشنودی خداوند متعال باشد. در این زمینه می فرماید: «و لربک فاصبر» [مدثر، ۷]: (و برای پروردگارت شکیبایی کن). از دیدگاه قرآن، صبر نوعی عبادت است و در آیه ی دیگری، خداوند انسان ها را به خاطر صبر کردن تجلیل می کند: «والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم و أقاموا الصلوة و أنفقوا مِمَّا رزقناهم سراً و علانیه و یدرون الحسنة السیئة اولئک لهم عقبی الدار» [رعد/ ۲۲]: و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آن چه روزی شان دادیم پنهان و آشکار انفاق کردند و بدی را با نیکی می زدایند، نیک فرجامی سرای آخرت برای آن هاست.

این طرز تحلیل قرآن در رابطه با صبر که قرآن آن را مایه و پایه ی خوش بختی و رمز تکامل می داند، نشان از حقیقتی مهم دارد و آن این که در مکتب اخلاقی قرآن، همه چیز رنگ خدایی دارد. صبر، ضامن اجرایش وحی و پیام و دستور خداوند است و انگیزه و هدف آن هم جلب رضایت خداوند است و بس.

حقیقت صبر و استقامت

متأسفانه برخی از مردم به خاطر دوری از تعالیم مذهبی یا از روی غرض ورزی تصور نادرستی از «صبر» دارند و این شیوه ی اخلاقی را چنان تعریف کرده و از پیش

خود برای آن یک معنای نادرست برگزیده‌اند و آن را به معنای تسلیم در برابر ستم، نشستن و دست روی دست گذاشتن در برابر جباران و متعدیان و رها کردن فعالیت و تلاش تفسیر می‌کنند که چنین معنایی سر از عجز و تظلم (ظلم‌پذیری) بیرون می‌آورد که از نظر اسلام به شدت نهی شده است؛ در حالی که خداوند در قرآن شرط بزرگ مجاهدان راه خدا را صبر و استقامت شمرده و می‌فرماید: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائین و ان یکن منکم مائة یغلبوا ألفاً من الذین کفروا» [انفال/۶۵]: اگر از [میان] شما بیست تن دارای صبر باشند، بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما یکصد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند. این آیه برای مردم با ایمان

ضعف و سستی قرار گرفته و این نشان می‌دهد که صبر به معنای استقامت و پشتکار است، نه ضعف و سستی؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «و کأین من نبی قاتل معه رپیون کثیر فما وهنوا لما أصابهم فی سبیل اللّٰه و ما ضعفوا و ما استکانوا و اللّٰه یحب الصّابرين» [آل عمران/۱۴۶]: و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌ای انبوه، کارزار کردند و در برابر آن‌چه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند، و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند صابران را دوست دارد.

مقصود این است که آن توحیدگرایان پس از کشته شدن پیامبر و یاران و هم‌زمانشان، سست نشدند و از عقیده‌ی درست خویش دست برنداشتند. از کارزار با دشمن نهراسیدند و در برابر تجاوزکاران سر خم نکردند [مجمع البیان، ج ۵: ۵۴۵].

در بررسی آیات به این نتیجه می‌رسیم که صبر به معنای مقاومت و پایداری در راه نابود کردن ظالمان و ستمگران است و انسان باید در راه نابودی آنان، مشکلات را بر خود هموار نماید تا خود را از تحت سلطه‌ی



روشنگری

می‌کند که اگر به راستی ایمان دارند، باید این‌گونه باشد و باید همت و صبر و شجاعت از خود نشان دهند که یک تن در برابر ده تن آنان بایستد [مجمع البیان، ج ۱۰: ۴۳۸].

آنان بیرون راند. در لسان معصومین (علیهم السلام) صبر از ارزش والایی برخوردار است. چنان‌که امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه‌ی غرأ و پرشوری که در اوصاف پرهیزکاران برای دوست باوفایش (همام) بیان کرد، یکی

اگر صبر به معنای دست روی دست گذاشتن بود، هرگز چنین توانی به انسان نمی‌داد که در برابر ده نفر بایستد و بر آن ده نفر پیروز گردد. هم‌چنین در قرآن صبر در برابر

از اوصاف مهمشان را صبر می‌شمرد و می‌فرماید: «نزلت أنفسهم منهم في البلاء كالتي نزلت في الرخاء»: روح بلند آن‌ها به هنگام بلا، همانند حالت آسایش و آرامش است (تحولات و جزر و مدهای زندگی آن‌ها را دگرگون نمی‌سازد).

بنابراین در متعلق قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) صبر تنبلی و کسالت و قانع شدن در برابر وضع موجود نیست، بلکه به معنای تلاش و کوشش و تحمل مشقات و سختی‌های کار و فعالیت و نیز به معنای استقامت در راه هدف است. و خداوند منان با بیان اجر بی حساب و وعده‌ی پیروزی نهایی، پایان نیک و سرنوشت سعادت‌آمیزی را برای صابران وعده می‌دهد تا از رهگذر این امر، ما و جامعه‌ی ما را به صبر و شکیبایی و به تحمل و پایداری فرا خواند.

درجات صبر

از علی (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمود، صبر بر سه گونه است: «صبر عند المصيبة، و صبر علی الطاعة و صبر عن المعصية...» [اصول کافی، ج ۳: ۲۰۹؛ میزان الحکمة، ج ۶، ب ۲۱۷۴، ح ۱۰۱۰۱]: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر فرمانبری و صبر در گناه و نافرمانی...

در ادامه‌ی حدیث است که می‌فرماید: کسی که بر مصیبت شکیبایی کند تا از آن به خوبی بگذرد، خداوند برایش سیصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر فاصله‌ی میان آسمان و زمین است و هر کس بر فرمانبری شکیبایی کند، خداوند برایش ششصد درجه

می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر، فاصله‌ی میان ژرفای زمین تا عرش است و هر کس در برابر گناه شکیبایی کند، خداوند برایش نهصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه‌ی دیگر، فاصله‌ی میان ژرفای زمین تا نهایت عرش است.

در چهل حدیث امام خمینی (ره) آمده است: پس معلوم می‌شود که صبر بر معصیت افضل است از سایر مراتب صبر، چه که هم درجات آن بیشتر است، و هم سعی بین درجات بسیار زیادتر است و نیز معلوم می‌شود که سعی بهشت بیش از آن است که در اوامر ما محجوبین و مقیدین است... [چهل حدیث: ۲۲۷، ح ۱۶].

اما این مقام راجع به حال عامه و متوسطین بود. ولی از برای صبر درجات دیگری است که راجع به اهل سلوک و کمال و اولیاست، چنانچه از آن «صبر فی الله» است. و آن ثبات در مجاهده است، و ترک مألوفات و مأنوسات، بلکه ترک خویشتن است در راه محبوب و این راجع به اهل سلوک است.

مرتبه‌ی دیگر «صبر مع الله» است و آن راجع به اهل حضور و مشاهده‌ی جمال است در وقت خروج از جلیباب بشریت، و تجرد از ملابس افعال و صفات، و متجلی شدن قلب به تجلیات اسما و صفات، و توارد واردات انس و هیبت، و حفظ نفس از تلونات و غیبت از مقام انس و شهود.

درجه‌ی دیگر «صبر عن الله» است و آن از درجات عشاق و مشتاقین است از اهل شهود و عیان، در صورتی که رجوع به عالم خود کنند و به عالم کثرت و صحر برگردند. و این اشق مراتب صبر و مشکل‌ترین مقامات است و این مرتبه اشاره فرموده‌ی مولای مالکان و پیشوای کاملان علی (ع) در دعای شریف «کمیل»: «فهبی صبرت علی عذابک، فکیف اصبر علی فراقک»: الهام گیرم که بر عذاب تو صبر کردم، چگونه جدایی از تو را تاب آورم؟ [همان: ۲۲۸].

عوامل مخل صبر

از جمله چیزهایی که مخل شکیبایی است و ارزش صبر را زایل می‌کند، شتابزدگی است. قرآن می‌فرماید: «خلق الانسان من عجل» [انبیاء/۳۷]: انسان [گویی] از شتاب آفریده شده است.

انسان هنگامی که کارها بر طبق مرادش صورت نگیرد، جام صبرش لبریز می‌شود و تاب و توان خود را از دست می‌دهد؛ زیرا در این حال فراموش می‌کند که عالم آفرینش ترتیباتی دارد و عجله و شتاب یک نفر نمی‌تواند جهان را به شتاب وا دارد. هنگامی که انسان خشمناک

می شود، دیگر ارزش صبر و روش شکیبایی را فراموش می کند و بی حوصلگی و افسردگی می کند که با صبر به هیچ وجه سازگار نیست. انسانی که می خواهد نیروی صبر و مقاومت خود را از دست ندهد، باید همواره بکوشد تا این حالات را از خود دور کند؛ زیرا خدا به پیامبر (ص) می فرماید: «ولاتک فی ضیق مما یمکرون» [نحل/۱۲۷]: [از توطئه ها و کارشکنی های این مردم] به هیچ وجه رنجشی نداشته باش و احساس دلشنگی مکن.

از همه مهم تر، نومیذی آفت صبر است. انسانی که ناامید باشد، محال است صبر داشته باشد. اگر نومیذی بر قلب فرد چیره و شعله ای امیدش اطفأ شود، دیگر چگونه می تواند صبر و طاقت ادامه ی کار را داشته باشد؟ قرآن می فرماید: «ولاتهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» [آل عمران/۱۳۹]: اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید.

در سوره ی هود، بی صبوری، عجله و زود قضایات کردن و نشانه ی بی اعتمادی به خدا و آخرت می داند. «ولئن اذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السیئات عنی انه لفرح فخور الا الذین صبروا و عملوا الصالحات اولئک لهم مغفرة و اجر کبیر» [هود/۱۱-۹]: و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم، قطعاً نومیذ و ناسپاس خواهد بود. و اگر پس از محنتی که به او رسیده - نعمتی به او بچشانیم، حتماً خواهد گفت گرفتاری ها از من دور شد! بی گمان او شادمان و فخر فروش است؛ مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده اند، [که] برای آنان آموزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.

مأیوس شدن و کفران، و از طرف دیگر کبر و نخوت که همگی از صفات رذیله هستند، بر اثر بی صبوری و عدم تعقل و تفکر درباره ی هستی است، به همین دلیل، در ذیل آیه، صابرین و کسانی را که عمل صالح انجام می دهند، از بقیه استثنا می کند و برای آن ها آموزش و پاداش بزرگ را بشارت می دهد.

رابطه ی صبر و تقوا

کلمه ی تقوا که خویشتن داری و ممانعت از خواهش ها و هوس های نفسانی است، در آیات بسیاری با صبر باهم ذکر شده و حاکی از نزدیکی و ارتباط دقیق و

تنگاتنگ این دو صفت با هم است. از جمله قرآن می فرماید: «قل یا عباد الذین آمنوا اتقوا ربکم للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و ارض الله واسعة إنما یوفی الصابرون أجرهم بغير حساب» [زمر/۱۰]: بگو ای بندگان من که ایمان آورده اید، از پروردگارتان پروا بدارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده اند، نیکی خواهد بود و زمین خدا فراخ است. بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.

در این آیه، تقوا بیشترین ترکیب را با صبر دارد. عامل ثمر و خویشتن داری است. در سوره ی یوسف خدا می فرماید: «انه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین» [یوسف/۹۰]: بی گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند.

در آیات ماقبل راجع به یوسف (ع) و صبر شکفت انگیز او در برابر خواهش زلیخا و حیلۀ زنان که خطرترین آزمایش سنجش برای تقواست، خدا می فرماید: «ولقد هممت به وهم بها لولا ان رءا برهان ربی» [یوسف/۲۴]: و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می کرد.

در این جا عفت و صبر و نیرومندی یوسف که همان تقوای اوست، بر این تمای نفس پیروز می شود. شهید مطهری ذیل داستان یوسف می نویسد: تقوا و صبر و پاکیزگی و نزاهت، در این جهان گم نمی شود، آدمی را از حقیقت ذلت به اوج عزت می رساند (ده گفتار، ۶۲).

و حضرت علی (ع) در وصف متقین می فرماید: «صبروا آیاماً قصیره، اعقبتهم راحةً طویله» [نهج البلاغه، خطبه ی ۱۹۳: ۴۰۲]: پرهیزکاران چند صبحی صبر کردند و در پی آن به آسایش طولانی دست یافتند.

راه های دست یابی به فضیلت صبر شناخت حقیقی ماهیت زندگی دنیا

مهم ترین پشتوانه ی صبر آن است که انسان برداشت درستی از زندگی داشته باشد و به ماهیت آن پی ببرد که دنیا بهشت برین نیست، بلکه سراسر گرفتاری و تکلیف است و هدف از خلقت این است که در این زندگی چند روزه، آینه ی وجودش را صیقل دهد و در گیر و دار این آزمون های الهی، برای زندگی جاودان و ابدی، خود را مهیا سازد. این بینش از زندگی سبب می شود، در برابر



آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می شوند:

- مجلات دانش آموزی** (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند)
- + رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
 - + رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
 - + رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
 - + رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
 - + رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

مجلات عمومی (به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند)

رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه رشد معلم

مجلات تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند)

رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش هنر، رشد مشاور مدرسه، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای

مجلات رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کادر اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش - پلاک ۲۶۸ - دفتر انتشارات کمک آموزشی
تلفن و نمابر ۸۸۸۳۹۱۸۶

حوادث ناگوار خود را نبازد. قرآن می فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی کبد» [بلد/۴]: به راستی که انسان را در رنج آفریده ایم.

بنابراین روزی امور دنیا به سود تو و روزی به زیان توست. خداوند زندگی دنیا را چنان مقرر فرموده است که لذت آن همواره با رنج و کوشش همراه باشد.

خودشناسی

این که انسان باور داشته باشد که از اوست و به سوی او بازگشت می کند. از طرفی دیگر، هر آن چه در اختیار اوست، اعم از سلامتی، ثروت و همسر، تماماً از آن خداست و به عاریت در اختیار او نهاده شده است: «و ما یکم من نعمة فمن الله» [نحل/۵۳]: هر نعمتی که دارید از خداست.

اگر انسان چنین باوری داشته باشد، هرگز خود را در مشکلات و مصائب نمی بازد، پس اگر چیزی از او گرفته شود، لب به اعتراض نمی گشاید؛ زیرا بخشنده ی اصلی قسمتی از آن چه را به او عطا کرده بود، از او بازپس گرفت. چه قدر زشت است، انسانی که چیزی را به عاریت گرفته است، هنگامی که صاحب آن برای طلب بیاید، به خشم آید.

امید قطعی به گشایش

انسان باید باور داشته باشد، پس از هر تنگنایی، خداوند گشایشی و پس از هر بلایی، عافیتی و پس از هر دشواری، کام یابی و رفاهی قرار داده است. قرآن می فرماید: «فان مع العسر یسراً و ان مع العسر یسراً» [انشراح/۵-۶]: انسان باید یقین داشته باشد که وعده های الهی قطعی است؛ زیرا خداوند به صابران وعده داده، آن چه در طول زندگی متحمل شوند، فرجام نیک زندگی آن ها حتمی است: «و العاقبة للمتقین» [هود/۴۹].

استعانت فقط از خداوند

بدون یاری خواستن از خداوند، امکان ندارد انسان صبر را به نهایت درجه برساند و یا در مقام صبر هم چنان باقی بماند تا به مقصود برسد. در سوره ی بقره خدا می فرماید: «واستعینوا بالصبر والصلوة».

«استعانت» یعنی مدد جستن و آن در جایی است که



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

۱. واریز مبلغ ۳۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست
۲. ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک

انسان به تنهایی نتواند از عهده‌ی مشکلات و حوادث برآید و چون در واقع مددکاری جز خدا نیست، بنابراین مدد و کمک در برابر مشکلات عبارت است از ثبات و مقاومت و اتصال و توجه به ذات قدس پروردگار، و این همان «صبر و نماز» است و در حقیقت این دو بهترین وسیله برای این موضوع اند؛ زیرا صبر و شکیبایی هر مشکل عظیمی را کوچک می‌سازد و توجه به خدا و پناه بردن به او، روح ایمان را در انسان بیدار می‌کند و او را متوجه می‌سازد که تکیه گاهی دارد بس مستحکم و وسیله ای دارد ناگسستی [المیزان، ج ۱: ۲۰۱].

در جای دیگر می‌فرماید:

«و اصبروا ما صبرک الا باللّه...» [نحل/۱۲۷]: و صبر کن و البته جز با یاری خداوند و با بهره جویی از مدد خداوندی نخواهی توانست صبر کنی...

پی نوشت

۱. باب الذنوب ۳۱ روایت است که بیانگر مکافات عمل است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه [ترجمه‌ی محمد دشتی].
۳. انصاری، خواجه عبدالله. مقامات معنوی، ترجمه و تفسیر منازل السائرین. به قلم محسن بینا. انتشارات محسن بینا. ۱۳۶۳.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم. دفتر تبلیغات. قم. ۱۳۶۶ ش.
۵. حر عاملی (شیخ). وسائل الشیعه. مؤسسه‌ی آل‌البیت. قم. ۱۴۰۹ ق.
۶. حسینی طهرانی، محمدحسین. مهر تابان (یادنامه‌ی علامه طباطبایی (ره)). انتشارات باقر العلوم (ع). بی تا. بی جا.
۷. خامنه‌ای، علی. گفتاری در باب صبر. چاپ خانه‌ی فروغ دانش. مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی امت. ۱۳۵۸.
۸. خمینی، روح‌الله. شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تابستان ۱۳۶۸.
۹. دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه‌ی دهخدا. چاپ امیرکبیر.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی حسینی. انتشارات مرتضوی. تهران. زمستان ۱۳۸۳.
۱۱. رحمتی شهرضا، محمد. گنجینه‌ی معارف. انتشارات صبح پیروزی. ۱۳۸۵.
۱۲. زبیدی حنفی، محب‌الدین. تاج العروس من جواهر القاموس. بی جا. دار احیاء التراث العربی. ۱۱۹۳ ق.
۱۳. مجلسی (علامه). بحار الانوار. مؤسسه‌ی الوفاء بیروت. ۱۴۰۴ ق.
۱۴. محدث نوری. مستدرک الوسائل. مؤسسه‌ی آل‌البیت. قم. ۱۴۰۸ ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمة. ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی. انتشارات دارالحدیث. تهران. ۱۳۸۴.
۱۶. مطهری، مرتضی. ده گفتار. انتشارات صدرا. بهار ۱۳۶۸.
۱۷. تراقی، ملا احمد. معراج السعاده. مرکز مطبوعاتی حسینی. تهران. ۱۳۷۵.

+ نام مجله:

+ نام و نام خانوادگی:

+ تاریخ تولد:

+ میزان تحصیلات:

+ تلفن:

+ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک:

کدپستی:

+ مبلغ واریز شده:

+ شماره و تاریخ رسید بانکی:

+ آیا مایل به دریافت مجله درخواستی به صورت پست پیشتاز

هستید؟ بله خیر

امضا:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

نشانی: تهران - صندوق پستی

www.roshdmag.ir

نشانی اینترنتی:

Email: info@roshdmag.ir

پست الکترونیک:

۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

☎ امور مشترکین:

۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۸۸۸۳۹۴۳۲

☎ پیام گیر مجلات رشد:

یادآوری:

+ هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.

+ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک می‌باشد.

+ برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است)